



بازشناسی سلوک و آموزه‌های تعلیمی سهل تستری

سید محمد جلیل مصطفوی روضاتی^۱، سید علی اصغر میرباقری فرد^۲

^۱ دانشگاه اصفهان، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات Mobtaker.rozati.esf@gmail.com

^۲ دانشگاه اصفهان، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی a.mirbagherifard@gmail.com

چکیده

سهل تستری از مشایخ عرفای متقدم ایران است که مورد توجه صوفیه پس از خود بوده است و از جهت پاره‌ای اصطلاحات و مکاشفات نکاتی بدیع و قابل توجه در احوال و اندیشه‌های وی به چشم می‌خورد. زمینه‌های متنوع آثار سهل به ویژه تفسیر قرآن معروف وی نشان از جایگاه ویژه وی در میان صوفیان صاحب تألیف دارد. در این نوشتار سعی بر آن است که هرچند اجمالی، هم سلوک سهل و هم آموزه‌های تعلیمی وی بازکاوی شود.

واژگان کلیدی: سهل تستری، سلوک، آموزه‌ها، عرفان.

مقدمه

سهل بن عبدالله تستری از چهره‌های شاخص در تاریخ تصوف اسلامی است. کمتر کتاب و رساله عرفانی می‌شناسیم که به نوعی وامدار اقوال و افکار او نباشد. تأثیر سهل تا آنجاست که هجویری در کشف المحجوب، طریقه فکری و عملی وی را به عنوان ششمین گروه مقبول از ده گروهی که آنها را "مقبولین" به حساب می‌آورد، برمی‌شمارد. [۱]

پیش از این نیز در ضمن مقالاتی تلاش شده است به زندگی، احوال و اندیشه‌های وی اشارتی رود از جمله: "پژوهشی درباره زندگی، آثار و احوال سهل بن عبدالله تستری (۲۰۳ - ۲۰۸ ه.ق.)" از محمد دهقان^۱، و نقد منابع سهل شناسی از سید محمد طباطبایی (۱۳۸۵) در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. در این نوشتار تأکید بر سلوک و آموزه‌های تعلیمی وی خواهد بود.

۱. زندگی سهل

ابومحمد سهل بن عبدالله بن یونس بن عیسی بن عبدالله بن رفیع در حدود سال ۲۰۳ هجری در تستر (شوشتر) دیده به جهان گشود و به احتمال فراوان سال مرگ وی ۲۸۳ هجری باشد. بنابر آنچه عطار در تذکره الاولیاء آورده است، سهل در سه سالگی در شب زنده‌داری، به عبادات خال خود یعنی "محمد بن سوار" که از عرفای صاحب نام بوده، می‌نگریسته و در حالی که خالش او را ترغیب به خواب می‌کرده، سهل پنهان و آشکار او را نظاره می‌کرده تا جایی که یک بار به محمد می‌گوید: «مرا حالتی می‌باشد صعب، چنانکه می‌بینم که سر من به سجود است پیش عرش» [۲]. محمد به او توصیه می‌کند که این حالت را

پنهان نموده و با کسی در میان نگذارد و عبارت "الله معی الله ناظری الله شاهدهی" را بر زبان بیاورد و سهل بعد از سال‌ها ممارست بر گفتن این ذکر، حالات آن را در سر خود می‌یابد. مطابق گفته عطار، سهل در هفت سالگی روزه می‌گیرد. در دوازده سالگی مسأله‌ای برایش پیش می‌آید و پاسخ آن را از علمای بصره نمی‌تواند به دست آورد. این امر او را راهی عبادان (آبادان) می‌نماید و شخصی به نام "حبیب بن حمزه" گرگشای وی می‌گردد [۲].

مسأله وی که عاقبت توسط حمزه رمزگشایی می‌شود مطلبی است که "محمی الدین عربی" در فتوحات مکیه به آن پرداخته و از آن به "سجود قلب" یاد می‌نماید: "سهل بن عبدالله در ابتدای ورود بدین طریق قلب خود را در سجده دید و منتظر شد که از سجده برخیزد، اما برنخاست. سپس در حیرت فروماند و پیوسته درباره این واقعه از پیران طریق سوال می‌کرد. لیکن کسی را نیافت که در این باره چیزی بداند. زیرا ایشان اهل صدق بودند و جز از روی ذوق محقق سخن نمی‌گفتند. پس او را خبر دادند که در عبادان شیخ معتبری است، خوب است که به سوی او روی، باشد که پاسخ خود را نزد او بیابی. پس به عبادان رفت. چون بر شیخ وارد شد، سلام کرد و پرسید: «ای شیخ، آیا قلب سجده می‌کند؟» شیخ گفت: تا ابد. پس شفا یافت و در خدمت او ماند» [۳].

سهل در آبادان و در خدمت حمزه، آرامشش را بازیافت. در شب قدری که در آبادان گذراند، آیه "لا اله الا هو الحی القيوم" را دید که با نوری سبزرنگ بر پهنه آسمان نوشته شده بود و سهل اسم اعظم خدا را در آن یافته بود [۲].

سهل پس از بازگشت به شهرش، زندگی زاهدانه‌ای در پیش گرفت؛ چنان که در یک سال، خرج خوراک او بیش از یک درم نمی‌شد. سهل در شانزده سالگی یعنی در حدود ۲۱۹، با توشه‌ای ناچیز راهی حج شد [۶]. احتمالاً در همین سفر، ذوالنون را ملاقات کرد.

پس از این سفر، سهل بار دیگر به تستر بازمی‌گردد و به ریاضت نفس ادامه می‌دهد. ریاضت‌های وی بیشتر شامل تحمل گرسنگی و شب‌زنده‌داری بود. البته مسلم است که پس از مرگ ذوالنون در سال ۲۴۵، این سهل بود که به تعلیم و تربیت شاگردان پرداخت، ولی او بیشتر به خلوت‌گزینی تمایل داشت و از همنشینی با دیگران گریزان بود. وفادارترین شاگردش "ابن سالم بصری"، از اهالی بصره، بود و ذهبی از وی به عنوان "شیخ البصره" یاد می‌کند [۴].

در سال ۲۶۳، "یعقوب لیث صفاری" اهواز را تصرف می‌کند و آنچنان که در بسیاری از منابع دست اول [۲ و ۵] ذکر گردیده، بعد از بیماری یعقوب لیث و درماندگی اطرافیان از علاج وی، دست به دامان